

به هم‌پیوستگی متنی در دو سوره «الضحی» و «الشرح» تحلیلی مبتنی بر نظریه زبان‌شناختی نقش‌گرای هلیدی

فلاح شوشتری مجلسی^۱

علی سلیمی^۲

عامر قیطوری^۳

جهانگیر امیری^۴

چکیده

این مقاله با بکارگیری مباحث زبانشناسی جدید که در سال‌های اخیر، زمینه درک و فهم نوینی در تحلیل متون ادبی فراهم ساخته است و اخیراً در تفسیر و فهم آیات قرآن کریم نیز کاربردی شایان یافته است، میزان پیوستگی دو سوره مبارکه «الضحی» و «الشرح» را تحلیل و بررسی نموده است. مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که انسجام متنی دو سوره تا چه میزان است و این باور برخی از مفسران که دو سوره را یک سوره دانسته‌اند، تا چه حدی موجه و قابل دفاع است؟ روش مطالعه تحلیلی- توصیفی، با کاربست زبان‌شناسی نوین و مبتنی بر سه فرانقش زبانی اندیشگانی (تجربی) بینافردی و متنی در نظریه زبانشناسی نقش‌گرای هلیدی است. دستاورد این مطالعه گویای آن است که وحدت و یکپارچگی موجود در دو سوره که پی در پی و با بیانی دلجویانه به نعمت‌های مادی و معنوی و الطاف الهی نازل شده بر پیامبر اشاره دارد و ارجاع‌های برون‌متنی همگون به وضوح یکپارچه بودن متن هر دو سوره را ثابت می‌کند و مؤید نظر بسیاری از مفسران است که دو سوره «الضحی و الشرح» را یک سوره دانسته‌اند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، الضحی، الشرح، نظریه هلیدی، فرانقش‌های زبانی.

**تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲ | DOI: 10.29252/PAQ.9.2.165

falahmaj@gmail.com

iiii mi0000@yo0000.com

amer@razi.ac.ir

jahangiramiri83@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی.

۲- نویسنده مسئول: استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی.

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه رازی.

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی.

۱- مقدمه

امروزه مطالعات بر روی متن برای بررسی پیوستگی موجود در آن از طریق روشهای زبانشناسی صورت می‌گیرد. «مطالعات و پژوهش‌های زبانشناسی جدید در دوره‌های اولیه، به کشف و توصیف واحدهایی از قبیل آوا، واژه و جمله توجه داشت. زبان‌شناسان، تجزیه و تحلیل واحدهای فراتر از جمله را امری مشکل و غیرعملی می‌دانستند، لذا دستور سنتی از بررسی و مطالعه واحدهای بلندتر از جمله یعنی «متن» غافل بود. در واقع «جمله» به عنوان یک واحد بزرگ زبان‌شناسی که به توصیف و تبیین رویدادها می‌پردازد؛ محل توجه و بررسی تحقیقات زبان‌شناسی بود؛ ولی به علت تفاوت در نگرش محققان و اختلاف در معیارهای زبان‌شناسی، اصطلاحات جدیدی مانند کلام و جمله به وجود آمد.» (اقبالی و همکاران، ۱۳۹۶ ش: ۹۲) زبانشناسی متن در واقع «بررسی آن دسته از قواعد زبانی است که عناصر زبانی فراتر از مرز جمله را در بر می‌گیرد.» (البرزی، ۱۳۸۶ ش: ۱۳)

زبان‌شناسی متن در دوره اخیر گام‌های بلندی را در راستای شناخت نظام زبان و ماهیت آن برداشته است به کار بردن این دستاوردها و نظریه‌های جدید برای استفاده از متن آیات و سوره‌های موجود در قرآن کریم نیز می‌تواند بسیار مفید باشد، به طوری که به فهم و تفسیر آیات کمک شایانی کند. از جمله مهمترین دستاوردهای زبانشناسی این است که تفسیر قرآن کریم را وارد مرحله جدید کرده، ارائه نظام‌مند مباحث معناشناسی است که با غور در اجزای تشکیل یک متن، به لایه‌های معنایی دست می‌یابد و به همه عناصر دخیل در تشکیل معنای متن، توجه می‌نماید. (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۶) «تحول در واحد مطالعه نظم از آیات به سوره‌ها و تحول در نوع نظم از ساده به پیچیده و تحول در واحدهای لفظی و معنایی از واژه به پاره متن می‌تواند مطالعه نظم سوره‌های قرآن را متحول نماید.» (زارع زردینی، ۱۳۹۵: ۴۴) این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی، مبتنی بر کاربرست فرانش‌های نظریه هلیدی، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که میزان انسجام بافت دو سوره، تا چه حدی مؤید نظریه برخی از مفسران مبنی یک سوره تلقی نمودن این دو سوره است.

۲- پیشینه

نویسندگان زیادی درباره متون برخی از سوره‌های قرآن مجید و بررسی انسجام و پیوستگی آن با استناد به نظریه‌های زبان‌شناسی مختلف از جمله نظریه هلیدی و رقیه حسن، مطالعاتی را انجام داده و به نتایجی هم رسیده‌اند؛ دراینباره می‌توان به بررسی سوره‌های عصر، کوثر، ناس، کافرون و ... اشاره کرد که به برخی از آنها اشاره می‌شود، از جمله:

- حدیث کرمانی و همکاران وی (۱۳۹۸)، سوره یوسف را با استفاده از نظریه فرانتش هلیدی بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد متنی که روایت‌کننده حوادث مهم زندگی حضرت یوسف (ع) است، به طور طبیعی از کنش‌های مادی بهره بیشتری می‌برد. فرایند کلامی پس از آن قرار می‌گیرد و این حقیقت که متن سوره یوسف به صورت مجموعه‌ای از «قول‌ها» است به اثبات می‌رسد.

- همچنین نساء نبی‌فر (۱۳۹۳) سوره‌های «تکویر»، «تکاتر»، «عادیات»، «قارعه»، «نازعات»، «نبأ» و «عبس» را از منظر فرانتش اندیشگانی دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی بررسی کرد و چنین نتیجه گرفت که در این سوره‌ها، فرایند مادی بیشترین کاربرد را داشته است. او دلیل این امر را درک‌پذیر بودن کلام خداوند برای بشر می‌داند.

- سید مهدی لطفی (۱۳۹۰) با بررسی عناصر پیوستگی متنی، پیوستگی آیات در درون سوره‌ها به ویژه سوره‌های القارعه و طور را مورد بررسی قرار داده است که پس از ارائه جدول پیوستگی آیات این دو سوره، پیوستگی متنی خطی آیات در درون سوره‌ها را اثبات کرده است.

- شکوه آذرنژاد (۱۳۸۵) نیز انواع انسجام دستوری، پیوندی و واژگانی در ۲۱ سوره از جزء سی‌ام قرآن کریم را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که در متن قرآن از عوامل انسجامی مختلفی استفاده شده است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد سوره‌ها، در رابطه با ترتیب و میزان به‌کارگیری عوامل انسجامی، از الگویی مشابه برخوردارند و بدون استفاده از آن، امکان درک مفاهیم قرآن، ترجمه و تفسیر آن میسر نخواهد بود.

- قاسم مختاری و مهرانگیز خدابخش (۱۳۹۷) در مقاله خود به بررسی پیوستگی متنی برخی سوره‌های جزء سی ام قرآن کریم پرداختند؛ نتایج پژوهش آنها نشان داد: عنصر انسجام و مؤلفه‌های آن، نقش برجسته‌تری در آشکارکردن زیبایی‌ها و اسرار آیات منتخب داشته است. همچنین از بین عناصر انسجامی بررسی شده در آیات، ارجاع به ما بعد، حذف و تکرار لفظی با بزرگ جلوه‌دادن و درک نشدن واقعه قیامت، تکرار ساختار ترکیبی با حرکت بخشی به تصاویر قیامت و ایجاد فضای ترس و وحشت، تضاد و تقابل و تناسب با ترسیم فضاهای هماهنگ با بهشت و دوزخ، نقش عمده‌ای در تبیین مفاهیم مرتبط با قیامت داشته است.

- علی صادقی (۱۳۹۴) سوره «کوثر» را بر اساس روش زبانشناختی نظریه مایکل هلیدی بررسی کرده است. وی به سه فرانش تجربی، بینافردی و متنی سوره کوثر را مطالعه کرده و نتیجه می‌گیرد که فرایندهای مادی بیشترین فراوانی را در فرانش تجربی یا اندیشگانی دارد. در زمینه فرانش بینافردی نیز وجه اخباری بیشترین تکرار را دارد. مطالعه وی در زمینه بخش فرانش متنی نیز، با توجه به دیدگاه اعتقادی گوینده از مبتدای نشان دار استفاده شده است.

- مریم عزیزخانی و همکارانش (۱۳۹۶) درباره سوره «الشرح» و تحلیل زبانشناختی آن مطالعاتی انجام دادند و کلیه جملات سوره را، در سه فرانش هالیدی به صورت جداگانه بررسی کردند در فرانش تجربی، مشخص شد که فرایند مادی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است که این بسامد، با فضای سوره هماهنگ است؛ در فرانش بینافردی، وجه اخباری و زمان ماضی برجسته شده اندک نزول نعمتهای الهی را تایید و هر گونه شک را ناممکن می‌کنند. در فرانش متنی، مشخص شد که نعمتهای خداوند در حق پیامبر خود، شناخته شده هستند و امری نو نیستند.

اما در پژوهش حاضر تلاش می‌شود دو سوره الضحی و الشرح - که برخی مفسران آنها را یکی می‌دانند- با کاربست سه فرانش زبانی در نظریه نقشگرایی هلیدی، مورد بررسی قرار گیرند، تا اولاً میزان پیوستگی و انسجام موجود بین آیات خود سوره‌ها به طور جداگانه و ثانیاً پیوستگی و انسجام موجود بین آیات دو سوره، مشخص گردد.

۳- چارچوب نظریه نقش‌گرای هلیدی

مایکل هلیدی نظریه خود را بر اساس انسجام و پیوستگی متنی به سه دسته تقسیم کرده است؛ هلیدی بر این باور است که «زبان از شبکه‌های درهم تنیده از نظام‌هاست که در نتیجه گزینش‌هایی که درون آن رخ می‌دهد، در نهایت به شکل ساختار یعنی زنجیره‌هایی از گفتار یا نوشتار متبلور می‌شود. نظام‌های زبان از نظر هلیدی به سه دسته تقسیم می‌شوند.» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۴-۲۵) در ادامه بصورت مختصر، به هر کدام از این سه دسته اشاره می‌شود. از نظر هلیدی، ساختار زبان از نقش‌هایی تأثیر می‌گیرد که زبان در بافت ارتباطی و در جهان خارج به عهده دارد. این تأثیر به شکل سه فرانشی تجربی، بین‌فردی و متنی تجلی می‌یابد. (هلیدی، ۱۹۸۵: ۱۷)

«نیمه دوم سده بیستم شاهد رشد دو نگرش عام و البته متضاد نسبت به زبان بود. یکی نگرشی متنی بر تبیین صوری زبان همچون پدیده‌ای درون فردی و ذهنی و دیگری نگرشی مبتنی بر تبیین نقشی زبان به مثابه پدیده‌ای بین‌فردی و اجتماعی.» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۷)

هلیدی سه فرانشی اجتماعی عمده را در نظر می‌گیرد که در هر ارتباطی، اساس نظام دستوری زبان را تشکیل می‌دهد: الف- نقش اندیشگانی^۱ یا بیان تجربه‌های درونی و بیرونی که با بررسی فرایندهای فعلی قابل دست‌یابی است. ب- نقش بینا فردی^۲ یا بیان احساسات و کاربرد صورت‌های زبانی مناسب در برخوردهای اجتماعی. ج- نقش متنی^۳ و جمله‌سازی که گوینده را قادر می‌سازد، آنچه را می‌خواهد بگوید به گونه‌ای منسجم و سازمان یافته در قالب بند ارائه دهد. (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۷)

برای روشن شدن نقشی که فرانشی‌های هلیدی می‌توانند ایفا کنند به مثال زیر توجه شود:

مسئول یک کارگاه خیاطی با یک نگرش کلی به چرخ‌های خیاطی این کارگاه متوجه می‌شود که موتور برخی از چرخ‌های خیاطی به سرقت رفته است. از کارگران سؤال می‌کند. اما آنها نیز نمی‌دانند چه کسی این موتورها را به سرقت برده است. بنابراین از نظر اندیشگانی یا تجربی می‌داند که یک نفر

1. Experiential Metafunction
2. Interpersonal Metafunction
3. Textual Metafunction

این موتورها را به سرقت برده است. وی از نظر بینافردی باید بپرسد تا به نتیجه برسد و عامل سرقت را شناسایی کند. از نظر متنی نیز او باید این شخص را پیدا کند؛ بنابراین از عبارت چه کسی استفاده می‌کند و می‌پرسد چه کسی این موتورهای چرخ خیاطی را سرقت کرده است؟ اینک به شرح سه فرانش اشاره می‌شود:

۳-۱- فرانش اندیشگانی (تجربی)

به باور اجینز، «فرانش تجربی ۱ به محتوای تجربه و به چگونگی بازنمود تجربه در زبان مرتبط است.» (اجینز، ۲۰۰۴: ۱۲) بر پایه این فرانش، ما از زبان برای صحبت کردن درباره تجربیات خود از جهان بیرون و جهان ذهن خود استفاده می‌کنیم و رویدادها، حالت‌ها و عناصر دخیل را توصیف می‌کنیم. هنگام تحلیل متن از نقطه نظر تجربی، توجه به این نکته ضروری است که چه نوع فرآیند یا رویدادی در حال وقوع است.» (کرمانی، ۱۳۹۸: ۴۰-۴۱)

زبان ابزاری برای بیان تجربیات ما از جهان خارج و جهان درون است؛ بدین معنی که «زبان قابلیت اعمال و بازنمایی گفتار و تفکرات ما را دارد. تحقق زبانی این نقش، توسط ساختار گذرایی^۲ (تعدی) انجام می‌گیرد. گذرایی، گزینش نظام‌مند را به دست می‌دهد.» (سیمپسون ۲۰۰۴: ۲۲-۲۶) «از نظر هلیدی، نوع فرایند، تعداد شرکت کنندگان و افزوده‌های حاشیه‌ای، تعیین کننده گذرایی هستند. هرچه تعداد شرکت کنندگان و افزوده‌های حاشیه‌ای یک متن بیشتر باشد، گذرایی آن متن بیشتر است. در بحث فرایندها نیز، فرایندهای مادی، باعث افزایش گذرایی و فرایندهای ذهنی و رابطه ای، باعث کاهش گذرایی می‌شوند.» (رضایور، ۱۳۹۵: ۸۵-۸۴) این فرانش، «متشکل از فرایند^۳، مشارکین فرایند^۴ و عناصر پیرامونی^۵ است. در این فرانش، نقش اصلی بر عهده کنش یا فرایند است که تعداد و نوع وابسته‌ها (مشارکین)، در ارتباط با آن، مشخص می‌شود؛ به عبارت دیگر، تعداد وابسته‌ها،

1. experimental metafunction
2. Transitivity
3. Process
4. participants of process
5. Circumstances

با توجه به نوع و معنای فرایندها، متفاوت است. (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۱) با توجه به اینکه فرایندها در کارکرد تجربی زبان، نقش اصلی را بازی می‌کنند، ابتدا به تعریف انواع فرایندها اشاره می‌شود و از آن، به مشارکین و سپس به صورت کوتاه، به انواع عناصر پیرامونی پرداخته می‌شود:

۳-۱-۱- فرایندها

فرایندها بر رخداد، احساس، رابطه، رفتار، کلام و موجودیت دلالت دارند و به دو نوع اصلی (فرایند مادی، ذهنی، رابطه‌ای) و فرعی (رفتاری، کلامی، وجودی) تقسیم می‌شوند. (عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۴)

۳-۱-۱-۱- فرایند مادی^۱: «در این نوع فرایند، کسی یا چیزی کاری انجام می‌دهد؛ مانند ساختن و خریدن و... و یا اتفاقی رخ می‌دهد؛ مثل سوختن، شکستن و... عنصر دیگری که در انجام این فرایند نقش دارد و متأثر از عمل انجام گرفته است، هدف^۲ نامیده می‌شود.» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۷۹) در جدول شماره ۱ به مثالهایی در این باره اشاره شده است:

جدول شماره ۱

کنشگر	هدف	فرایند مادی
کارگران	جاده را	آسفالت کردند
پرویز	خانه را	بنا کرد
پروانه	برگل	نشست

در این مثال به خوبی کنشگر این فرایند مادی و هدف آن مشخص شده است. پرویز به عنوان کنشگر، خانه هدف و بناکردن فرایند مادی است.

۳-۱-۱-۲- فرایند ذهنی^۳: این فرایند «فرایندی است بیانگر احساسات، اندیشه‌ها و ادراک افراد؛ مانند افعال دوست داشتن، تفرداشتن، درک کردن، دیدن و... در این گونه فرایندها، دو گونه وابسته به

1. Material Process
2. Goal Process
3. Mental Process

نام حسگر^۱ و پدیده^۲ وجود دارد.» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۹۷) برای این فرایند نیز می‌توان جدولی به شرح زیر بیان کرد:

جدول شماره ۲

فرایند ذهنی	پدیده	حسگر
اشتیاق دارد	به درس علوم	دانش آموز
تشخیص دادم	چهره‌اش را	من
فهمید	علت شکست‌هایش را	او

۳-۱-۱-۳ فرایند رابطه‌ای^۳: فرایند رابطه‌ای «فرایندی است که بر چگونگی بودن چیزی یا کسی دلالت دارد؛ مانند افعال بودن، شدن، گشتن و... در این فرایند، بین دو مفهوم رابطه برقرار می‌شود و مسئله اصلی، بیان وضعیت و مالکیت چیزی است. از نظر هلیدی فرایندهای رابطه‌ای دو گونه‌اند: الف- حالت وصفی^۴ (اسنادی): در چنین حالتی، یک ویژگی به موجودی نسبت داده می‌شود. در این فرایند، ارتباط بین یک پدیده و یک صفت برقرار است و دو وابسته بدین شرح وجود دارند: یکی حامل^۵ و دیگری شاخص یا ویژگی^۶. حامل هویتی در خارج و ویژگی، صفت آن محسوب می‌شود.» (تامسون^۷ ۲۰۱۴: ۱۰۲-۱۰۱)

جدول شماره ۳

فرایند رابطه‌ای	ویژگی	حامل
است	بسیار دانا	حسن
است	باهوش	دانش آموز

1. Sensor
2. Phenomenon
- 3 Relational Process
- 4 . Attributive
- 5 . Carrier
- 6 . Attribute
- 7 Thamsone.

ب- «حالت شناسایی (هویتی): در این حالت هویتی به موجودی نسبت داده می‌شود. در این حالت رابطه مشابه بین دو طرف برقرار است و پدیده‌ای شناسا^۱ به شناخت پدیده‌ای دیگر شناخته^۲ می‌انجامد.» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۱۱)

جدول شماره ۴

شناسا	شناخته	فرایند رابطه ای
علی	دوست حسن	است
دانش آموز	کلاس چهارم	است

۳-۱-۱-۴ فرایند رفتاری^۳: «این نوع فرایند به رفتارهای روانی، زیستی و فیزیولوژیکی انسان مانند خندیدن، خوابیدن و... اشاره دارد. در این گونه فرایند، یک وابسته به نام رفتارگر^۴ وجود دارد که رفتار می‌کند و طبیعتاً موجودی باهوش است.» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۲۵).

جدول شماره ۵

رفتارگر	عنصر پیرامونی	فرایند رفتاری
دانش آموزان	از دیدن معلم	خوشحال شدند
او	با شنیدن خبر ناگوار	نگران شد

۳-۱-۱-۵ فرایند کلامی^۵: «در این نوع فرایند، عنصر فعلی از نوع "گفتن" است؛ مثل: "من موضوع را به او گفتم." عناصر دخیل در این فرایند، گوینده، گفته^۱ و گیرنده هستند.» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۵۲).

1. Identifier
2. Identified
3. Behavioral Process
4. Behaver
5. Verbal Process
6. Verbiage

جدول شماره ۶

فرایند کلامی	گیرنده	گفته	گوینده
توضیح داد	برای دوستش	مشکلش را	حسن
صحبت کرد	با علی	درباره آینده	جعفر

۳-۱-۶ فرایند وجودی^۱: «فرایندی است که از موجودیت و هستی پدیده‌ای و یا عدم آن سخن

می‌گوید؛ مثل: "وجود داشتن، بودن و ...". (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۵۷)

جدول شماره ۷

فرایند وجودی	عنصر موقعیتی	موجود
وجود داشتند	بر کره زمین	دایناسورها
حضور داشتند	در این شهر	دانشمندان
بودند	در هر زمانی	اولیای خدا

۳-۲ - فرانش بینافردی

برای پویایی و تنظیم روابط بین افراد یک اجتماع نیاز به برقراری تماس از طریق زبان است و انسان با استفاده از کلام می‌تواند اهداف خود را به دیگری منتقل کند. «زبان به برقراری، حفظ، تثبیت و تنظیم روابط اجتماعی می‌پردازد و کنش متقابل میان مردمان را رقم می‌زند؛ بنابراین بخشی از هر متن، بر کنش متقابل میان افراد درگیر در ارتباط، دلالت دارد. مشارکین کنش کلامی، در چارچوب نقش‌های زبانی، باهم ارتباط برقرار می‌کنند و هر یک ایفاگر نقشی می‌شوند، خبری می‌دهند، فرمانی می‌دهند، سؤالی می‌پرسند و ارائه خدماتی را پیشنهاد می‌کنند. تحقق زبانی این نقش، توسط ساختار وجهی^۲ صورت می‌گیرد.» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۵۱) «شکل‌گیری وجه کلام در گرو عمل عناصری

است که «عنصر وجه»^۱ خوانده می‌شوند و دو جزء فاعل^۲ و عنصر خودایستای فعل^۳ را دربر می‌گیرند. فاعل: یک گروه اسمی یا یک ضمیر شخصی است که به لحاظ شخص یا شمار، با فعل همخوانی دارد. عنصر خودایستا: عنصری است که گزاره را محدود و متناهی می‌کند و آن را از حالت انتزاعی خارج می‌کند و سه نقش اساسی زمان‌نمایی^۴، قطبیت^۵ و وجهیت^۶ را نشان می‌دهد. (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۱۱-۱۱۶)

۳-۲-۱ زمان‌نمایی: «این عنصر، زمان رویداد را نسبت به گفته معین می‌کند و از این رهگذر، زمان حال، آینده یا گذشته گزاره را، مشخص می‌کند.» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۵۲)

۳-۲-۲ قطبیت: «به معنای تقابل میان مثبت و منفی است. معمولاً گزاره مثبت از نظر شکل، بدون علامت است؛ در حالی که گزاره منفی، از تعدادی عنصر اضافی فهمیده می‌شود؛ مثل Not در انگلیسی.» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۴۳)

۳-۲-۳ وجهیت: «همانطور که ذکر شد، قطبیت انتخاب بین yes (مثبت) و No (منفی) است؛ اما اینها تنها گزینه‌های انتخابی نویسنده نیستند؛ زیرا درجه‌های میانه‌ای هم وجود دارد که بیانگر انواع متفاوتی از نامشخص بودن هستند و به دو دسته تقسیم می‌شوند. ۱. درجه‌های میانی احتمال چون «احتمالاً، شاید، قطعاً». ۲. درجه‌های میانی تناوب چون «گاهی معمولاً، همیشه». ۳. درجه‌های میانه‌ای از اجبار ۴. درجه میانه‌ای از تمایل^۷.» (همان: ۱۴۷-۱۴۶) «وجهیت یک مقوله معنایی است که نگرش گوینده نسبت به گزاره را، بیان می‌کند و به دو دسته معرفتی^۸ و تکلیفی^۹ تقسیم می‌شود.» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۶۱۸)

- 1 . Mood element
- 2 . Subject
- 3 . Finite Element
- 4 . Temporality
- 5 . Polarity
- 6 . Modality
- 7 . Inclination
- 8 . Epistemic
- 9 . Deontic

جدول شماره ۸

عناصر خود ایستا/زمان، قطبیت، وجهیت	فاعل	جمله
گذشته/مثبت/خبری	علی	علی به منزل آمده بود
مضارع/منفی/التزامی	معلم	معلم احتمال دارد درس جدید ندهد

۳-۳- فرانش متن

از دیگر فرانش‌های هلیدی فرانش متن است. این فرانش با استناد به ساختار متن جمله و مبتدا و خبر است که البته مبتدا از نظر هلیدی با مبتدای مشهور در زبان عربی تفاوت دارد و هلیدی هر چیزی را که آغازگر^۱ جمله باشد مبتدا و بقیه جمله را پایانبخش^۲ می‌نامد. «زبان میان خود و بافت ارتباط برقرار می‌کند تا به تناسب بافتی که در آن جاری می‌شود و با توجه به ویژگیهای مترتب بر آن بافت، متن آفرینی کند؛ چرا که متن است که حامل معنا و وسیله انتقال معناست. تحقق زبانی این نقش، توسط ساختار مبتدایی و عنصر غیر ساختاری انسجام، صورت می‌گیرد.» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۵۵) «در ساخت متنی، عناصر ساختاری «مبتدا- خبری» و «اطلاعاتی» و عنصر غیر ساختاری «انسجام»، مدنظر است. ساخت مبتدا - خبری، از دو بخش مبتدا (آغازگر) و خبر (پایان بخش) تشکیل می‌شود. در این ساخت، آغازگر، نقطه عزیمت پیام است و نویسنده، محور قرار می‌گیرد. در این نظریه، هر عنصری که در ابتدا قرار بگیرد، مبتدا تلقی می‌شود و نیازی به نشانه دیگر ندارد.» (عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۰) همانطور که اشاره شد در تعریف مبتدا از نظر مایکل هلیدی منظور، آغازگر جمله است و با تعریف مبتدای مشهور در زبان عربی تفاوت دارد. وی مبتدا را به انواع گوناگونی تقسیم می‌کند که برخی از آنها بدین شرح است: «مبتدای ساده»^۳: آغازگری که به دنبال آن آغازگر دیگری نیاید. مثل ذَهَبَ. مبتدای مرکب^۴: آغازگری که از دو یا چند آغازگر تشکیل شده باشد مثل:

- 1 . Theme
- 2 . Rheme
- 3 . simpel
- 4 . Multiple

فأوجس، و أراد. مبتدای نشاندار^۱: آغازگری که با غیر فعل شروع شود مانند: ان مع العسر. مبتدای بی‌نشان^۲: آغازگری که با فعل شروع شود؛ مانند: خلقنا. (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۸۱-۶۸) اطلاعاتی که در ابتدا یا خبر ارائه می‌شود می‌تواند اطلاعاتی نو^۳ یا کهنه^۴ باشد و بسته به نوع اطلاعات مشخص می‌شود. البته در صورتی که خواسته شود این اطلاعات به یک مخاطب داده شود، قالب کهنگی یا نو بودن آن اطلاعات بیشتر به چشم می‌خورد. «ساخت اطلاعاتی که متشکل از اطلاع کهنه و اطلاع نو است، ساختی مخاطب محور است؛ زیرا این مخاطب است که معین می‌کند کدام یک از اطلاعات نزد او کهنه و کدام یک برای او نو است.» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۱-۵۶) آخرین تغییرات در نظریه انسجام هلیدی و حسن، در سال ۱۹۸۵ صورت گرفت. آنها انسجام را به دو دسته تقسیم کردند: ۱- انسجام دستوری که شامل ارجاع، جانشینی و حذف می‌شود. ۲- انسجام واژگانی که صورت‌های گوناگونی چون تکرار، هم‌معنایی، تضاد، رابطه جزء-کل و... دارد. آنها در این نظریه برای عقیده‌اند که پیدا کردن عناصر انسجامی به معنای انسجام متن نیست؛ بلکه باید این عناصر را در گره^۵ و زنجیره^۶ قرار داد تا هماهنگی انسجامی شکل بگیرد. آنچه که یک عنصر را با دیگر عناصر انسجامی مربوط می‌کند، گره نامیده می‌شود و به سه نوع هم‌مرجع بودن^۷، هم‌طبقه بودن^۸، و هم‌گستر بودن^۹ تقسیم می‌شود. در هم‌مرجع بودن، گره‌ها با عناصر ارجاعی و در حالت هم‌طبقه بودن، گره‌ها با جانشینی و حذف و در حالت هم‌گستر بودن، گره‌ها با عناصر واژگانی شناخته می‌شوند. (هلیدی و حسن، ۱۹۸۹: ۴۵-۵۲)

- 1 . marked
- 2 . unmarked
- 3 . New
- 4 . Given
- 5 . Tie
- 6 . Chain
- 7 . Co-reference
- 8 . Co-classification
- 9 . Co-extention

جدول شماره ۹

متن	نوع انسجام	توضیحات
من حسن را دیدم بسیار دوست داشتنی بود، اخلاقش زیبا بود، انسانی خوش اخلاق بود.	حذف/ضمیر ، ش/ارجاع، ضمیرجانشینی / انسانی خوش اخلاق	ضمیر او حذف شده است. درون متنی و ارجاع ما قبل عبارت انسانی خوش اخلاق جایگزین حسن شده است.

۴- معرفی سوره های الضحی و الشرح

۴-۱ محتوای سوره الضحی: سوره الضحی از سوره‌های مکی قرآن کریم است که در اواخر حیات پر برکت پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه وآله بر ایشان نازل شد. آیات آغازین این سوره را می‌توان به کمک شأن نزول آن به خوبی درک کرد. «این سوره که از سوره‌های مکی است و طبق بعضی از روایات وقتی نازل شد که پیامبر (ص) بر اثر تاخیر و انقطاع موقت وحی ناراحت بود و زبان دشمنان نیز باز شده بود، سوره نازل شد و همچون باران رحمتی بر قلب پاک پیامبر(ص) نشست و تاب و توان تازه ای به او بخشید و زبان بدگویان را قطع کرد. این سوره با دو سوگند آغاز می‌شود، سپس به پیامبر (ص) بشارت می‌دهد که خدا هرگز تو را رها نساخته است. بعد به او نوید می‌دهد که خداوند آن قدر به او عطا می‌کند که خشنود شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۷ / ۹۲) در انتهای سوره نیز خداوند باری تعالی به نعمتهایی که به پیامبر ارزانی داشته است اشاره می‌کند و از او می‌خواهد به عنوان شکرانه این نعمتها او نیز به دستوراتی که به وی داده می‌شود عمل نماید و نعمتهای الهی را بازگو نماید.

۴-۲ محتوای سوره الشرح: سوره الشرح همانطور که از نام آن پیداست و در اول سوره نیز به آن اشاره شده است مربوط به شرح صدر پیامبر معظم اسلام است. این سوره پس از سوره الضحی نازل شده و به نوعی کامل کننده آن است؛ زیرا باز هم به نعمتهای الهی نازل شده بر پیامبر اشاره دارد و در پایان نیز به دستوراتی که پیامبر داده شده است اشاره می‌شود. «معروف این است که این سوره بعد از

سوره والضحی نازل شده است و محتوای آن نیز همین مطلب را تایید می‌کند چرا که در این سوره باز قسمتی از مواهب الهی بر پیغمبر اکرم (ص) شمرده شده است. در واقع سه نوع موهبت بزرگ در سوره والضحی آمده بود و سه موهبت بزرگ در سوره الم‌نشرح آمده است؛ مواهب گذشته بعضی مادی و بعضی معنوی بود، اما مواهب سه گانه این سوره همه جنبه معنوی دارد و عمده این سوره بر سه محور دور می‌زند: یکی بیان همین نعمتهای سه گانه و دیگر بشارت به پیامبر از نظر بر طرف شدن مشکلات دعوت او در آینده و دیگر توجه به خداوند یگانه و تحریص و ترغیب به عبادت و نیایش. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۷/ ۱۱۸)

۵- تحلیل داده های دو سوره الضحی والشرح

هر کدام از دو سوره الضحی و الشرح، در جدولهایی که به مناسبت هر یک از فرانش‌ها ترسیم شده است بررسی می‌شود و در نهایت نتیجه این بررسی‌ها تحلیل خواهد شد و نتیجه گیری کلی گرفته خواهد شد:

۱-۵ - بررسی فرانش‌های اندیشگانی در دو سوره الضحی والشرح

برای بررسی این فرانش‌ها در سوره الضحی ابتدا جدولی از فرایندها، مشارکین و عناصر پیرامونی تشکیل می‌دهیم:

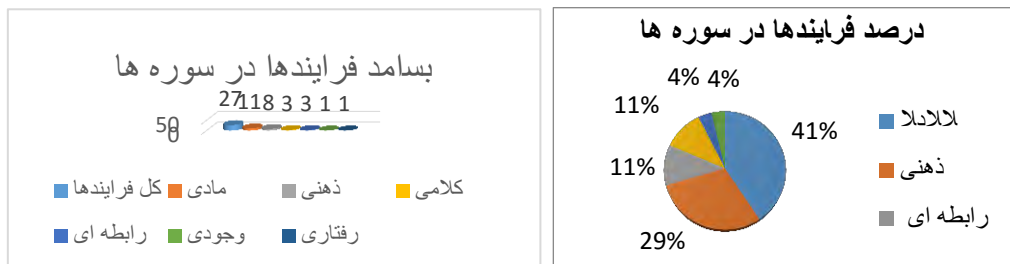
جدول شماره ۱۰

عناصر پیرامونی و نوع آن	مشارکین فرایند	فرایند و نوع آن	آیه
واو قسم	الله/قسم خورنده /الضحی قسم	محدوف: قسم /فرایند کلامی	وَ الضُّحَى
واو قسم اذا/عنصر موقعیتی	الله/قسم خورنده اللیل/قسم اللیل /موجود	محدوف: قسم /فرایند کلامی، سچی /فرایند وجودی	وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى
پدیده	ربک/حسگر هومستتر/حسگر	وَدَّعَكَ /فرایند ذهنی قلی /فرایند ذهنی	مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى

من الاولی / مقایسه ای	خیر / ویژگی لک / حامل	للاخره خیر / فرایند رابطه ای محذوف: رابطه اسنادی	وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْاُولٰی
و لسوف / زمان	ربک / کنشگر - ک / هدف انت / حسگر	يعطیک / فرایند مادی فترضی / فرایند ذهنی	وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰی
ألم عنصر موقعیتی یتیم / حالت	ربک محذوف / حسگر، ک پدیده هو (ربک) محذوف / کنشگر، انت / هدف	یجدک / فرایند ذهنی فاوی / فرایند مادی	أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوٰی
ضالا / حالت	ربک محذوف / حسگر ک / پدیده هو (ربک) محذوف / حسگر، ک محذوف / پدیده	وجدک / فرایند ذهنی فهدی / فرایند ذهنی	وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدٰی
عائلا / حالت	ربک محذوف / حسگر ک / پدیده هو (ربک) محذوف / کنشگر، ک محذوف / هدف	وجدک / فرایند ذهنی فأغنی / فرایند مادی	وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنٰی
	انت / کنشگر، الیتیم / هدف	لا تقهر / فرایند مادی	فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
	انت / کنشگر، السائل / هدف	لا تنهر / فرایند مادی	وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ
نعمه ربک / افزوده موضوعی	انت / گوینده، بنعمه / گفته	فحدث / فرایند کلامی	وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

جدول شماره ۱۱

آیه	فرایند و نوع آن	مشارکین فرایند	عناصر پیرامونی و نوع آن
أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ	نشرح: مادی	کنشگر: نحن / هدف: صدرک	لک سبب
وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ	وضعنا: مادی	کنشگر: نا / هدف: وزرک	-
أَلَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ	أنقض: مادی	کنشگر: هو / هدف: ظهرک	-
وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ	رفعنا: مادی	کنشگر: نا / هدف: ذکرک	-
فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا	محذوف: رابطه ای اسنادی	حامل: مع العسر لویژگی: یسرا	-
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا	محذوف: رابطه ای اسنادی	حامل: مع العسر لویژگی: یسرا	-
فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ	فرغت: مادی / فانصب: مادی	کنشگر: أنت کنشگر: أنت	-
وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ	فارغب: ذهنی	حسگر: أنت	الی ربک / مکان



با مطالعه جدول شماره ۱۰ نکات زیر را می‌توان مورد توجه قرار داد: در سوره الضحی از هر دو فرایند اصلی و فرعی استفاده شده است. در فرایند اصلی از هر سه بخش مادی، ذهنی و رابطه‌ای و در فرایند فرعی از دو بخش وجودی و کلامی استفاده شده است. در این سوره ۷ بار از فرایند ذهنی استفاده شده است. همچنین در ۵ مورد از فرایند مادی و ۳ بار هم فرایند کلامی و فرایندهای رابطه‌ای وجودی هم هر کدام یک بار به کار رفته است. مشاهده می‌شود که فرایند ذهنی، بیشترین بسامد در این سوره است که با توجه به شان نزول این سوره به خوبی می‌توان از شرایط فرایند ذهنی و احساسات موجود در ابتدای این سوره آگاه شد. در تفسیر نمونه آیت مکارم شیرازی می‌خوانیم: «ابن عباس می‌گوید: پانزده روز گذشت و وحی بر پیامبر (ص) نازل نشد، مشرکان گفتند: پروردگار محمد، او را رها کرده و دشمن داشته، اگر راست می‌گوید مأموریت او از سوی خدا است، باید وحی به طور مرتب بر او نازل می‌شد، در اینجا سوره فوق نازل گشت. (و به سخنان آنها پاسخ گفت)» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۹۵/۲۷) بنابراین آیات آغازین سوره می‌خواهد از شرایط فشاری که از نظر روحی، مشرکان بر پیامبر وارد می‌کردند کاهش دهد و پیامبر را تسکین دهد که او را فراموش نکرده و بر او خشم نگرفته است که با فرایندهای ذهنی مطرح شده با توجه به نظریه هیلیدی کاملاً همخوانی دارد. همچنین در سوره الضحی از ۵ مورد فرایند مادی استفاده شده است که مربوط به الطافی است که خداوند بر پیامبر نازل فرموده و او را در شرایط یتیمی و فقر هدایت کرده و از نعمت پناه دادن و بی‌نیاز کردن و هدایت کردن ایشان و همچنین دستوراتی است که به پیامبر داده شده جهت گرمی داشتن یتیمان و افراد محروم جامعه است. فرایند کلامی هم ۳ بار وجود دارد که مربوط به سوگندهای مطرح

شده در ابتدای سوره و دستور به بازگو کردن نعمتهای الهی در پایان سوره است. فرایند رابطه‌ای هم متعلق به خبر دادن بهتر بودن آخرت نسبت دنیا برای پیامبر است و فرایند وجودی هم برای آرام بودن و آرامش شب مطرح شده است.

بر اساس جدول شماره ۱۱، نکات زیر را درباره ساختار معنایی سوره الشرح می‌توان در نظر گرفت: در سوره الشرح هر سه فرایند اصلی مادی، رابطه‌ای و ذهنی به کار رفته است. تعداد فرایند مادی ۶ عدد و فرایند رابطه‌ای ۲ عدد و فرایند ذهنی نیز تنها یک عدد است. بنابراین فرایندهای مادی در این سوره، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. در آغاز سوره الشرح، خداوند سبحان از مواهب و نعمتهای الهی چون شرح صدر، سبک کردن بار سنگین بر دوش پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله و مسئولیت دشوار نبوت و بلندآوازه کردن نام، سخن به میان آورده است. بنابراین استفاده کردن از فرایندهای مادی-کنشی نشان می‌دهد که خداوند از نظر مادی و عملی و نه فقط گفتاری به بنده خود لطف کرده است و از طرف دیگر، این فرایندهای مادی، باعث می‌شوند که نعمتها بیشتر به چشم بخورد. در اواسط سوره پس از یادآوری نعمتهای گذشته، به پیامبر صلوات الله علیه و آله در این زمینه که مشکلات و سختی‌ها آسان خواهد شد امید می‌دهد و ایشان را به شکر نعمتهای گذشته، دعوت می‌کند؛ در نهایت و در آستانه پایان سوره از دو فرایند رغبت کردن به سمت خدا و تلاش و کوشش که هر دو فرایند مادی - کنشی هستند از پیامبر می‌خواهد وظایف محوله خود را انجام دهد. در نهایت فرایند ذهنی «فارغب» در پایان سوره، مطرح می‌شود که رغبت به سمت پروردگار را مطرح می‌کند. بنابراین مشاهده می‌شود که در سوره علاوه بر رابطه مستقیم فرایندها با حوادث و شرایط زمان پیامبر و الطاف خداوند بر پیامبر و مطرح کردن آن به ایشان و دعوت به شکیبایی در مسیر، از نظر فرانقش اندیشگانی از پیوستگی و انسجام برخوردار است.

۲-۵ - بررسی فرانقش بینامتنی سوره‌ها

برای بررسی این فرانقش در سوره الضحی ابتدا جدولی از آیه، فاعل و عناصر خود ایستا تشکیل

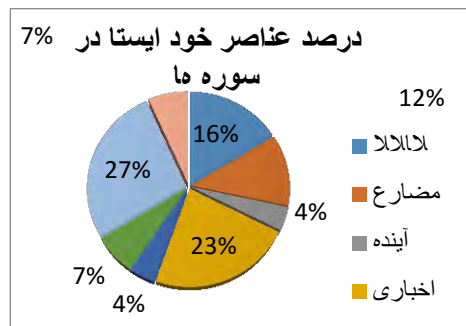
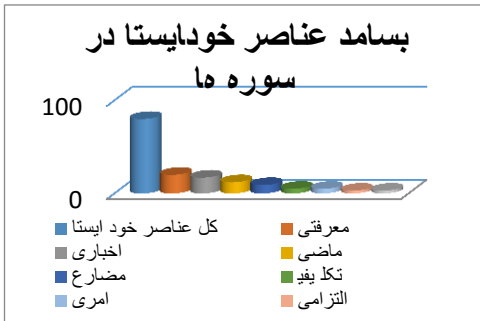
می‌دهیم. عناصر خود ایستا خود به سه قسمت زمان، قطبیت و وجهیت تقسیم می‌شود:

جدول شماره ۱۲

عناصر خود ایستا/زمان، قطبیت، وجهیت	فاعل	آیه
مضارع، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	اقسم محذوف / انا مستر	وَ الضُّحَى
مضارع، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	اقسم محذوف / انا مستر	وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى
ماضی، منفی، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	ودعک / فاعل: ربک	مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى
ماضی، منفی، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	قلی: فاعل: هو مستر	وَ لِلآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْآوَلَى
آینده، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	فاعل: همی مستر در تکنون	وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
آینده، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	يعطيك / فاعل: ربک	فَتَرْضَى
ماضی، منفی، وجه التزامی، وجهیت معرفتی	يجدک / فاعل: هو مستر	أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى
ماضی، منفی، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	فاوی / فاعل: هو مستر	وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى
ماضی، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	وجدک / فاعل: هو مستر	وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى
ماضی، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	فهدی / فاعل: هو مستر	وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى
ماضی، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	وجدک / فاعل: هو مستر	وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى
ماضی، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	فاغنی فاعل: هو مستر	فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
مضارع، مثبت، وجه امری، وجهیت تکلیفی	لا تقهر / فاعل: انت مستر	وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ
مضارع، مثبت، وجه امری، وجهیت تکلیفی	لاتنهر / فاعل: انت مستر	وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ
مضارع، مثبت، وجه امری، وجهیت تکلیفی	فحدث / فاعل: انت مستر	وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

جدول شماره ۱۳

عناصر خود ایستا/زمان، قطبیت، وجهیت	فاعل	آیه
ماضی، منفی، وجه التزامی، وجهیت معرفتی	فاعل: نحن / الم نشرح	أَلَمْ نُنشِرْكَ لَكَ صَدْرَكَ
ماضی، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	فاعل: نا / وضعنا	وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ
ماضی، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	فاعل: هو / انقض	أَلَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ
ماضی، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	فاعل: نا / رفعنا	وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ
مضارع، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	فاعل: هو / مستر در یكون	فَإِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا
مضارع، مثبت، وجه اخباری، وجهیت معرفتی	فاعل: هو / مستر در یكون	إِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا
مضارع، مثبت، وجه التزامی، وجهیت معرفتی مثبت، وجه امری، وجهیت تکلیفی	فاعل: ت / فرغت فاعل: انت مستر / فانصب	فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ
مضارع، مثبت، وجه امری، وجهیت تکلیفی	فاعل: انت مستر / فارغب	وَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ



با مطالعه جدول ۱۲ به این نتایج می‌رسیم که: فاعل در فرازهای اولیه سوره الضحی، همان خداوند سبحان است که مخاطب خود، پیامبر اسلام را به صورت متکلم وحده خطاب قرار می‌دهد. استفاده از متکلم وحده به نوعی نزدیک شدن بین متکلم و مخاطب را نشان می‌دهد و همانند متکلم مع الغیر نیست که از موضع قدرت است؛ «ضمیر جمع مناسب با بلاغت و تکلم به مقتضای حال است، تا مخاطب، باتوجه به عظمت متکلم، مطلب را - چنان‌که باید و شاید و به‌طور جدی - دریافت نماید و اهمیت آن را درک کند؛ مثل: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (حجر/۹)، که به این تعبیر مشحون از اعجاز و متضمن پنج ضمیر جمع، محفوظ بودن درون قرآن مجید را به حفظ الهی، به‌طور بسیار اکید و بلیغ بیان فرموده است.» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۰)؛ قرآن کریم در مورد سوره قدر نیز می‌فرماید: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) (ما این قرآن عظیم الشان را در شب قدر نازل کردیم). (قدر/۱) که از متکلم مع الغیر استفاده کرده و به نوعی می‌خواهد منزلت و عظمت را نشان بدهد؛ اما درباره نزدیک بودن خود به بندگانش در سوره بقره می‌فرماید: (وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ) (و چون بندگانم (از دوری و نزدیکی من) از تو پرسند، (بدانند که) من به آنها نزدیکم، هرگاه کسی مرا خواند دعای او را اجابت کنم. پس باید دعوت مرا (و پیغمبران مرا) بپذیرند و به من بگروند، باشد که (به سعادت) راه یابند). (بقره/۱۸۶) در این آیه سوره بقره ۷ بار از متکلم وحده استفاده کرده است و به نوعی می‌خواهد نزدیک بودن خالق نسبت به

بنده برای برآورده کردن نیازهای او را بیان دارد. بنابراین در سوره الضحی نیز می‌خواهد بیان کند که خداوند به تو خشم نگرفته و تو را رها نکرده است که مقتضای این نوع لحن نزدیکتر شدن به مخاطب از طریق متکلم وحده است. در انتهای سوره فعل به پیامبر نسبت داده می‌شود و دستوراتی به ایشان داده می‌شود. در زمینه زمانبندی این سوره نیز می‌توان گفت که سوره الضحی از هر سه زمان ماضی، مضارع و آینده استفاده شده است و وجهیت آیات نیز در ابتدا معرفتی بوده و از وجه اخباری است اما در سه مورد انتهایی سوره به صورت تکلیفی است و وجه امری می‌باشد.

با توجه به جدول شماره ۱۳، به نکات زیر می‌توان دست یافت: در سوره الشرح فاعل به صورت های سه گانه متکلم مع الغیر، مفرد غائب و مفرد مخاطب آمده است. آغاز این سوره با فاعلیت پرودگار و با ضمائر متکلم مع الغیر، هم به صورت مستتر و هم به صورت بارز، دیده می‌شود و به نوعی حضوری قوی را به مخاطب نشان می‌دهد. فاعل، مفرد غائب در فراز با اهمیت کمتر و در پایان سوره، به صورت مفرد مخاطب به کار رفته است. با بررسی زمان نمایی در می‌یابیم که در آغاز سوره حضور پربسامد افعال ماضی دیده می‌شود؛ فعل ماضی بیانگر قطعی بودن یک واقعه است زیرا واقعه اتفاق افتاده است. در جملات اواسط تا اواخر سوره نیز از زمان مضارع استفاده شده است. از سوی دیگر بکارگیری فعل امر در انتهای سوره، نشان می‌دهد: «روی آوردن به سوی خداوند نقطه آغاز ثابتی، به لحاظ زمانی ندارد و این گرایش برای هر فردی می‌تواند متفاوت باشد. به دیگر سخن، هر خواننده‌ای در هر مقطع از زمان آن را بخواند یا بشنود مورد خطاب گوینده قرار می‌گیرد.» (احمد زاده، ۱۳۸۷: ۳۰) با بررسی قطبیت نیز می‌توان گفت همه فراز آیه‌ها به جزء آیه اول، دارای قطبیت مثبت هستند. با بررسی وجه‌های به کار گرفته شده در سوره الشرح در می‌یابیم که خدای سبحان با یک استفهام تقریری در یک کنش تعاملی گفتاری، مخاطب خود را به اعتراف نعمتها می‌کشاند، و در ادامه خداوند با وجه اخباری و وجهیت معرفتی، قطعیت کلام خود را بیان می‌کند.

۳-۵ بررسی فراتنش متنی در سوره‌های الضحی و الشرح (ساخت مبتدا خبری و اطلاعی سوره)

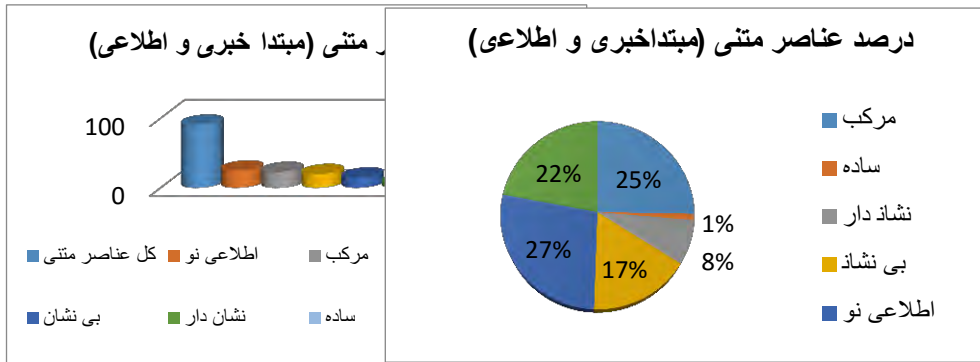
برای بررسی این فراتنش در سوره‌های الضحی و الشرح به جدول زیر شامل آیه، آغازگر و خبر اشاره می‌شود:

جدول شماره ۱۴

آیه	مبتدا (آغازگر)	خبر
وَ الضَّحَى	والضحی / مرکب / بی نشان / اطلاعی نو	-
وَ اللَّيْلُ إِذَا سَجَى	واللیل / مرکب / بی نشان / اطلاعی نو	اذا سجدی / اطلاعی کهنه
مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى	ماودعک / مرکب / بی نشان / اطلاعی نو و ما قلی / مرکب / بی نشان / اطلاعی نو	ربک / اطلاعی نو محدوف (ک) / اطلاعی نو
وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى	وللاخره / مرکب / نشان دار / اطلاعی نو	خیر لک من الاولی / اطلاعی نو
وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى	ولسوف يعطیک / مرکب / بی نشان / اطلاعی نو فترضی / مرکب / بی نشان / اطلاعی نو	ربک / اطلاعی نو -
أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى	الم یجدک / مرکب / بی نشان / اطلاعی کهنه فاوی / مرکب / بی نشان / اطلاعی کهنه	یتیم / اطلاعی کهنه -
وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى	و وجدک / مرکب / بی نشان / اطلاعی کهنه فهدی / مرکب / بی نشان / اطلاعی کهنه	ضالا / اطلاعی کهنه محدوف (ک) / اطلاعی کهنه
وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى	و وجدک / مرکب / بی نشان / اطلاعی کهنه فاغنی / مرکب / بی نشان / اطلاعی کهنه	عائلا / اطلاعی کهنه محدوف (ک) / اطلاعی کهنه
فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ	فاما الیتیم / مرکب / نشان دار / اطلاعی نو	فلا تقهر / اطلاعی نو
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ	و اما السائل / مرکب / نشان دار / اطلاعی نو	فلا تنهر / اطلاعی نو
وَ أَمَّا بَيْنِعْمَةٍ رَبِّكَ فَحَدِّثْ	و اما بنعمه ربک / مرکب / نشان دار / اطلاعی نو	فحدث / اطلاعی نو

جدول شماره ۱۵

آیه	مبتدا (آغازگر)	خبر
أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ	الم نشرح / مرکب، بی نشان / اطلاعی کهنه	لک صدرک / اطلاعی نو
وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ	و وضعنا / مرکب، بی نشان / اطلاعی کهنه	عنک وزرک / اطلاعی نو
الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ	الذی / ساده، نشاندار / اطلاعی کهنه	انقض ظهرک / اطلاعی نو
وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ	ورفعنا / مرکب، بی نشان / اطلاعی کهنه	ذکرک / اطلاعی نو
فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا	فان مع العسر / مرکب، نشاندار / اطلاعی کهنه	یسرا / اطلاعی نو
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا	ان مع العسر / مرکب، نشاندار / اطلاعی کهنه	یسرا / اطلاعی نو
فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ	فاذا فرغت / مرکب، بی نشان / اطلاعی کهنه	فانصب / اطلاعی نو
وَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ	و الی ربک / مرکب، نشاندار / اطلاعی نو	فارغب / اطلاعی کهنه



توجه به جدول شماره ۱۴ می‌توان نتایج زیر را به دست آورد: آغازگر در همه فرازهای سوره الضحی به صورت مرکب آمده است. تعداد آغازگرهای مرکب در این سوره ۱۶ عدد است و آغازگر ساده وجود ندارد؛ با توجه به اینکه آغازگر مرکب با برقراری ارتباط بین آیات به واسطه حروف و عباراتی مانند «ف، و، ا، ما»، در یکپارچگی متن نقش بسیار مهمی دارد، در می‌یابیم که این سوره از پیوستگی متنی بالایی برخوردار است. آغازگرها در این سوره ۱۲ مورد بی نشان و ۴ مورد نشاندار هستند. یعنی بی نشان‌ها سه برابر نشاندارها می‌باشند. آغازگرهای نشاندار با قرار دادن عنصری غیر از فعل در ابتدای سوره، ساخت رایج را برهم می‌زند و اهداف خاص گوینده را از چنین ساختی، بیان می‌کند. در آیه ۴ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ این اهداف به خوبی دیده می‌شوند. در آیه ۴ برای اعلام بهتر بودن آخرت نسبت به دنیا برای پیامبر و در آیه‌های انتهایی سوره نیز برای دستوراتی که به پیامبر داده شده است می‌توان این اهداف را احساس نمود. در هر چهار آیه نیز، با جمله اسمیه آغاز شده که نوعی تاکید است و بر پیوستگی متن می‌افزاید. در سوره الضحی، همچنین ۱۶ مورد در آغازگر و خبر از اطلاعی نو و ۱۲ مورد نیز از اطلاعی کهنه استفاده شده است. اکثر قریب به اتفاق اطلاعی کهنه مربوط به یادآوری الطاف و نعمتهای الهی بر پیامبر (صلوات الله علیه و آله و سلم) است و چون قبلاً پیامبر آنها را احساس کرده بود و تنها جنبه یادآوری دارد، از اینرو اطلاعی کهنه است. ۱۶ اطلاعی نو نیز مربوط به ابتدای سوره و یادآوری به پیامبر است که خداوند او را رها نکرده و بر او خشم نگرفته است و انتهای سوره که دستورات لازم جهت اجرا به پیامبر داده می‌شود؛ بنابراین از اطلاعی نو استفاده شده

است. با توجه به نظریه هیلیدی در می‌یابیم که استفاده از اطلاعی کهنه و نو در این آیه‌ها از سوره تناسب با شرایط خاص موقعیت آن دارد و به خوبی انسجام و پیوستگی سوره مشاهده می‌شود. با مطالعه جدول شماره ۱۵ نیز به این نتیجه می‌رسیم که: در سوره الشرح ۷ مورد آغازگر مرکب و یک آغازگر ساده دیده می‌شود. از بین انواع آغازگرهای مرکب (چهار نمونه‌ای که قبلاً ذکر شد)، با توجه به توضیحات جدول مربوط به سوره الضحی، این سوره نیز از یکپارچگی متن برخوردار است. مبتدای نشاندار نیز ۴ مرتبه در این سوره استفاده شده است. مبتدای (آغازگر) «الذی» و «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ» جمله اسمیه می‌باشند؛ همانطور که می‌دانیم جمله اسمیه نشان از تاکید در جمله دارد. در آیه آخر سوره الشرح نیز اگر چه جمله اسمیه نداریم؛ اما آغازگر نشاندار، تخصیص و اهمیت را می‌رساند. کما اینکه تقدیم چیزی که حقیقت تاخیر است نوعی حصر به شمار می‌رود. «تقدیم آنچه که حقیقت تاخیر است، بیانگر اهمیت چیزی است که مقدم شده است.» (جرجانی، ۱۹۸۴: ۴۲-۴۵). در ابتدای سوره، خداوند نعمتهای خود را برای پیامبر (ص) یادآوری می‌کند؛ لذا این نعمتها به عنوان آغازگر در ابتدای سوره قرار گرفته‌اند. خداوند در اواسط سوره نیز با اطمینان و قطعیت، به این نکته اشاره می‌کند که قطعاً هر سختی به دنبال خود آسانی را به ارمغان می‌آورد. از سوی دیگر افعال «ألم نشرح، وضعنا و رفعنا» ماضی هستند و چون در گذشته اتفاق افتاده و خبر جدیدی ندارند؛ لذا اطلاع کهنه محسوب می‌شوند؛ چرا که یادآوری الطاف خداوند برای پیامبر هستند و یادآوری مطلبی اطلاع دادن به مطلبی کهنه است. کلمه «الذی» نیز در حال تعریف ثقلی است که بر دوش پیامبر است و در واقع «وزرک الذی انقض ظهرك» می‌باشد. بنابراین اطلاعی کهنه است. اما عبارت کلمه یسر به دلیل نکره بودن نشان از اطلاعات جدید است که می‌خواهد به مخاطب بدهد، یعنی آسانی یک اطلاع نو است. «مع العسر» بر اساس نظریه هیلیدی آغازگر و در اینجا معرفه است، پس اطلاع کهنه به شمار می‌رود. مقدم شدن «الی ربك» نیز برای اهمیت آن است پس می‌خواهد اطلاعی نو بدهد.

۴-۵ - بررسی انسجام دستوری در سوره‌های الضحی و الشرح

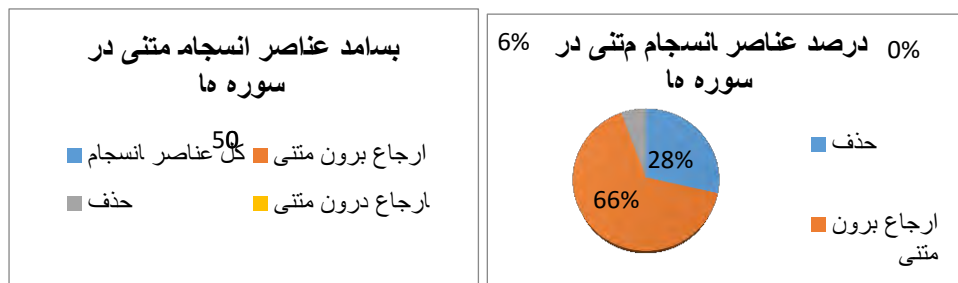
برای بررسی انسجام دستوری در سوره های الضحی و الشرح جدولی از آیه، نوع انسجام شامل جانشینی، حذف و ارجاع و همچنین توضیحات مربوطه تشکیل می‌دهیم:

جدول شماره ۱۶

آیه	نوع انسجام (ارجاع-حذف-جانشینی)	توضیحات مربوطه
وَ الضُّحَى	حذف (اقسم ب)	سوگند می‌خورم حذف شده است
وَ اللَّيْلُ إِذَا سَجَى	حذف (اقسم ب)	سوگند می‌خورم حذف شده است
مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى	ارجاع/ضمیر ک در ما ودعک ارجاع/ ضمیر ک در ربک حذف ضمیر / وماقلى	هر دو ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر صلوات الله علیه و آله ارجاع داده می‌شود ضمیر ک در وماقلى محذوف شده است
وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى	ارجاع/ضمیر ک در خیر لک	ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر صلوات الله علیه و آله برمی‌گردد
وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى	ارجاع/ضمیر ک در يعطيك ارجاع/ ضمیر ک در ربک حذف ضمیر / فترضى	هر دو ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر صلوات الله علیه و آله ارجاع داده می‌شود ضمیر انت محذوف شده است
أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى	ارجاع/ضمیر ک در يجدك حذف ضمیر/ فأوى	ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر صلوات الله علیه و آله ارجاع داده می‌شود/ضمیر انت محذوف شده است
وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى	ارجاع/ضمیر ک در وجدك حذف ضمیر/ فهدى	ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر صلوات الله علیه و آله ارجاع داده می‌شود /ضمیر انت محذوف شده است
وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى	ارجاع/ضمیر ک در وجدك حذف ضمیر/ فأغنى	ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر صلوات الله علیه و آله ارجاع داده می‌شود /ضمیر انت محذوف شده است
فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ	حذف ضمیر / فلا تقهر	ضمیر انت محذوف شده است
وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ	حذف ضمیر / فلا تنهر	ضمیر انت محذوف شده است
وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ	ارجاع/ضمیر ک در ربك حذف ضمیر / فحدث	ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر صلوات الله علیه و آله ارجاع داده می‌شود /ضمیر انت محذوف شده است

جدول شماره ۱۷

آیه	نوع انسجام (ارجاع-حذف- جانشینی)	توضیحات مربوطه
أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ	ارجاع/ضمیر نحن مستتر در نشرح ارجاع/ضمیر ک در لک ارجاع/ضمیر ک در صدرک	ضمیر نحن مستتر ارجاع برون متنی است که به خداوند برمی‌گردد/ هر دو ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر ارجاع داده می‌شود
وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ	ارجاع/ضمیر نا در وضعنا ارجاع/ضمیر ک در عنک ارجاع/ضمیر ک در وزرک	ضمیر نحن مستتر ارجاع برون متنی است که به خداوند برمی‌گردد/ هر دو ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر ارجاع داده می‌شود
أَلَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ	ارجاع/موصول الذی ارجاع/ضمیر مستتر هو در انقض ارجاع/ضمیر ک در ظهرک	موصول الذی ارجاع درون متنی و از نوع ما قبل است و به ظهرک بازمی‌گردد ضمیر مستتر هو ارجاع درون متنی از نوع ماقبل و به ورز برمی‌گردد/ ضمیر ک در ظهرک ارجاع برون متنی است و ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر ه برمی‌گردد
وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ	ارجاع/ضمیر نا در رفعنا ارجاع/ضمیر ک در لک ارجاع/ضمیر ک در ذکرک	ضمیر نا ارجاع برون متنی است که به خداوند برمی‌گردد./ هر دو ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر ارجاع داده می‌شود
فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا	تضاد(انسجام واژگانی است)	این مورد مربوط به انسجام واژگانی است
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا	تکرار، تضاد(انسجام واژگانی است)	این مورد مربوط به انسجام واژگانی است
فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ	ارجاع/ضمیر ت در فرغت ارجاع/ضمیر مستتر انت در فانصب	ضمیر ت ارجاع برون متنی است که به مخاطب یعنی پیامبر ارجاع داده می‌شود. ضمیر مستتر انت ارجاع برون متنی است که به مخاطب یعنی پیامبر ارجاع داده می‌شود
وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ	ارجاع/ضمیر ک در ربک ارجاع/ضمیر مستتر انت در فارغب	ضمیر ک ارجاع برون متنی است که به پیامبر صلوات الله علیه و آله ارجاع داده می‌شود/ ضمیر مستتر انت ارجاع برون متنی است که به مخاطب یعنی پیامبر بازمی‌گردد



جدول شماره ۱۶ میزان انسجام از طریق انسجام دستوری را به ما نشان می‌دهد که بر اساس سه محور حذف، جانیشینی و ارجاع است. در سوره الضحی موردی از جانیشینی مشاهده نمی‌شود. اما ارجاع و حذف فراوانی نسبت به حجم سوره وجود دارد؛ با توجه به اینکه ارجاع‌ها دو نوع است ارجاع برون‌متنی و درون‌متنی برای تشکیل گره و در نهایت زنجیره متنی در ارجاع نیاز به ارجاع درون‌متنی است که می‌تواند از نوع ارجاع به ماقبل یا ارجاع به مابعد باشد. «ضمایری که در سوره ارجاع برون‌متنی دارند، از آن جایی که مرجع آنها در متن موجود نیست، نمی‌توانند به متن انسجام ببخشند هر چند که مرجع آنها (در این جا خداوند، پیامبر) از سیاق قابل دریافت باشد... ناگفته نماند که این نوع سبک از ارجاع در کلام الهی، می‌تواند به دلیل توجه به اصل فعل باشد و این که ذکر مرجع در حاشیه قرار می‌گیرد و اگر با این دید نگاه کنیم، علت صریح نبودن مرجع ضمائر، قابل پذیرش‌تر می‌شود.» (عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۱)

در سوره الضحی، همه ارجاع‌ها برون‌متنی است که ضمیرها به مخاطب باز می‌گردد در ابتدای سوره پس از سوگندهای یاد شده ارتباط با مخاطب که شخص پیامبر است ارتباطی عاطفی است و می‌خواهد به وی بفرماید که خداوند تو را رها نکرده است؛ سپس دستوراتی در انتهای سوره به وی داده شده، سپس در سوره بعد از آن که الشرح است ارجاع‌ها به صورت برون‌متنی است که الطاف الهی به ایشان را گوشزد و یادآوری می‌کند؛ بنابراین علاوه بر داشتن انسجام در خود سوره الضحی ارتباط آن با سوره الشرح را نیز به خوبی می‌توان فهمید. همچنین در کل سوره ۱۰ مورد حذف وجود دارد که

در ابتدای سوره مربوط به قسم‌های یاد شده در این سوره است: (اقسم ب) والضحی و (اقسم ب) اللیل اذا سحی است. سپس به حذف ضمیرهای فعل نیز به متن، زیبایی و انسجام خاصی داده است؛ به طوری که ضمیر مخاطب هر یک از فعلها را مثلا فاوی (ک) یا فاغنی (ک) و دیگر ضمیرهای سوره حذف کرده است.

جدول شماره ۱۷، به ما نشان می‌دهد که در سوره الشرح، انسجام دستوری از نوع جانشینی به کار نرفته است و بیشترین ارجاع‌های به کار رفته نیز از نوع ارجاع برون‌متنی است. چرا که ضمائر بیشتر ارجاع خارجی دارند، و مخاطب آنها پیامبر (ص)، است. کلمه «الذی» و فاعل مستتر در «أنقض» به مرجع خود که «وزر» است، ارجاع داده می‌شوند و از طریق این ارجاع به ماقبل، به جمله قبلی پیوند می‌خورد. درحقیقت با شکل‌گیری گره هم‌مرجع بین «الذی و هو» و ایجاد زنجیره یکسانی، انسجام متن را رقم می‌زنند. در این سوره دو بار از حذف استفاده شده است که متعلق محذوف فعل فرغت و فعل فانصب می‌باشد. ذکر نکردن متعلق محذوف «با توجه به اینکه در آیه شریفه موضوع «فراغت» معین نشده است و «فانصب» از ماده «نصب» (بر وزن نسب) به معنی تعب و زحمت است آیه بیانگر یک اصل کلی و فراگیر است، و هدف آن است که پیامبر را به عنوان یک الگو و سرمشق از اشتغال به استراحت بعد از پایان یک امر مهم باز دارد، و تلاش مستمر و پی‌گیر را در زندگی به او گوشزد کند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۳۰/۲۷) «تکرار آیه إن مع العسر یسر، از طریق ارتباط با آیات قبلی، متن را به متنی منسجم تبدیل می‌کند... دو کلمه «العسر و یسر» دو عنصر زنجیره انسجامی هستند که دارای گره هم‌گستر (هم‌آیند) هستند؛ چرا که با ذکر اولی، ناخودآگاه دومی هم به ذهن متبادر می‌شود و یک عنصر زنجیره (العسر)، پیش‌فرض عنصر دیگر است؛ به گونه‌ای که با ذکر آن، عنصر دیگر (یسر) به ذهن خطور می‌کند و یک زنجیره همانندی (شباهت) را شکل می‌دهند تا انسجام متن را، رقم بزنند.» (عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۱-۹۲)

۶ - پیوستگی دو سوره «الضحی و الشرح» با یکدیگر

ارتباط معنایی سوره الشرح با سوره ضحی (سوره قبل) بسیار روشن و شفاف است. به طوری که بسیاری از مفسران به آن اشاره کرده‌اند. چرا که سوره الضحی با امتنان بر رسول مکرم اسلام (ص) و بیان بخشی از مواهب بزرگ الهی به آن حضرت پایان گرفته است. سوره الشرح نیز با امتنان بر رسول گرامی و بیان قسمتی دیگر از مواهب الهی به ایشان آغاز شده است. از جمله مفسران می‌توان به علامه طباطبایی اشاره کرد که در تفسیر المیزان برخی روایات در زمینه یک سوره بودن آن‌ها را مطرح کرده است: «در بعضی از روایات وارده از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده که فرموده‌اند: سوره والضحی و سوره الم نشرح یک سوره‌اند» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵۲۹/۲۰) در تفسیر نمونه نیز درباره سوره‌های الضحی و الشرح آمده است: «در روایات اهل بیت علیهم السلام این دو به منزله یک سوره شمرده شده است.^۱ و لذا در قرائت نماز برای اینکه یک سوره کامل خوانده شود هر دو را با هم می‌خوانند. در میان اهل سنت نیز بعضی طرفدار این نظریه هستند. چنان که فخر رازی از طاووس و عمر بن عبد العزیز نقل کرده که آنها نیز می‌گفتند این دو سوره، سوره واحده است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۷/۱۱۸)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نیز درباره ارتباط بین سوره‌های الضحی و الشرح ابتدا با اشاره به سوره‌های الفیل و قریش درباره سوره قریش می‌نویسد: «مضمون آن نوعی ارتباط با سوره فیل دارد، و لذا بعضی از اهل سنت گفته‌اند سوره فیل و ایلاف یک سوره‌اند، هم چنان که نظیر این سخن را درباره دو سوره الضحی و الم نشرح گفته‌اند.» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۲۶/۲۰)

۱ - فقهای شیعه از روایاتی از ائمه معصومین (علیهم السلام) درباره جمع میان سوره‌ها استفاده می‌کنند این روایات بیان می‌دارد ائمه معصومین (علیهم السلام) در نماز خود، میان این سوره‌ها جمع کرده‌اند: «مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل کرد: در یک رکعت نماز بین دو سوره جمع مکن، مگر سوره‌های الضحی و الم نشرح و سوره‌های الم تر کیف و لایلاف قریش.» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۵۴۲/۴)

نتیجه

۱ - در سوره الضحی با توجه فاصله کوتاهی از قطع وحی قبل از نزول این سوره، با مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به ایشان تسکین داده و اعلام می‌شود که خداوند بر وی خشم نگرفته از اینرو فرایند ذهنی از بیشترین بسامد در این سوره برخوردار است که با توجه به شان نزول این سوره به خوبی می‌توان ارتباط بین شرایط فرایند ذهنی و احساسات موجود در ابتدای این سوره آگاه شد. همچنین مقتضای این نوع احساسات نزدیکتر شدن به مخاطب از طریق متکلم وحده است. در زمینه زمانبندی این سوره از هر سه زمان ماضی، مضارع و آینده استفاده شده است و وجهیت آیات نیز در ابتدا معرفتی بوده و از وجه اخباری است. اما در سه مورد انتهایی سوره به صورت تکلیفی است و وجه امری می‌باشد. همچنین با توجه به تعداد آغازگرهای مرکب در این سوره که ۱۶ عدد است، یکپارچگی متن را بسیار قوت بخشیده است. ۱۰ مورد حذف صورت گرفته نیز بر انسجام متن افزوده است.

۲ - در سوره الشرح هر سه فرایند اصلی مادی، رابطه‌ای و ذهنی به کار رفته است. تعداد فرایند مادی ۶ عدد و فرایند رابطه‌ای ۲ عدد و فرایند ذهنی نیز تنها یک عدد است. بنابراین فرایندهای مادی در این سوره، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. در آغاز سوره الشرح، خداوند سبحان از مواهب و نعمتهای الهی چون شرح صدر، سبک کردن بار سنگین بر دوش پیامبر گرامی اسلام(ص) و مسئولیت دشوار نبوت و بلندآوازه کردن نام، سخن به میان آورده است. بنابراین استفاده از فرایندهای مادی-کنشی نشان می‌دهد که خداوند از نظر مادی و عملی و نه فقط گفتاری به بنده خود لطف کرده است. فاعل به صورت‌های سه گانه متکلم مع‌الغیر، مفرد غائب و مفرد مخاطب آمده است. آغاز این سوره با فاعلیت پرودگار که با ضمائر متکلم مع‌الغیر، هم به صورت مستتر و هم به صورت بارز، دیده می‌شود و به نوعی حضوری قوی را به مخاطب نشان می‌دهد. بیشترین ارجاع‌های به کار رفته نیز از نوع ارجاع برون‌متنی است چرا که ضمائر بیشتر ارجاع خارجی دارند، و مخاطب آنها پیامبر (صلوات الله علیه و آله)، است.

۳- ارجاع‌های برون‌متنی موجود در سوره‌های الضحی و الشرح و اشاره به الطاف الهی و یادآوری آن به پیامبر گرامی اسلام به خوبی یکپارچه بودن متن هر دو سوره با یکدیگر را ثابت می‌کند؛ وحدت و یکپارچگی موضوع در دو سوره الضحی و الشرح و آیاتی که در هر دو سوره به نعمتهای الهی نازل شده بر پیامبر اشاره دارد، باعث شده است بسیاری از مفسران دو سوره «الضحی و الشرح» را یک سوره بدانند.



منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- ۱- جرجانی، عبدالقاهر (۱۹۸۴)، دلائل الإعجاز، تعلیق محمود عمر شاکر، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ۲- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۹)، بهار بندگی، قم: دفتر تنظیم و نشر آیت الله صافی گلپایگانی.
- ۳- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۲۰.
- ۴- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ج ۴.
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، ج ۲۷.
- ۶- مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۹۳)، به سوی زبان شناسی شعر، تهران: نشر آگه، چاپ بیست و سوم.
- ۷- مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۷۶)، به سوی زبان شناسی شعر، رهیافتی نقش گرا، تهران: نشر مرکز.
- ۸- ابوالحسنی، زهرا و میرمالک ثانی، مریم (۱۳۸۷) «بررسی کتاب های درسی دانشگاهی بر اساس نظریه نقش گرای هلیدی و مقایسه آن با متون غیر درسی»، سخن سمت، ش ۲۰، صص ۱۲۹-۱۴۳.
- ۹- احمد زاده، سید مصطفی (۱۳۸۷)، «تفسیر زبان شناختی سوره عصر»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال ۴۰، شماره ۸۱/۳، صص ۳۵-۱۱.
- ۱۰- اقبالی، عباس و صیادی نژاد، روح الله و فاضلی، محمد حسین (۱۳۹۶)، «تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت»، دو فصلنامه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن دانشگاه پیام نور، دوره ۶، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۰.
- ۱۱- البرزی، پرویز (۱۳۸۶)، «مبانی زبان شناسی متن»، تهران: امیرکبیر.
- ۱۲- رضاپور، ابراهیم (۱۳۹۵)، «بررسی گذرایی کتاب خواندن و نوشتن دوره مقدماتی نهضت سواد آموزی از منظر فرانشی اندیشگانی»، مطالعات آموزش زبان فارسی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۰۰-۸۳.
- ۱۳- زارع زردینی، احمد (۱۳۹۵)، «بررسی نظم در سوره های قرآن: کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین»، دو فصلنامه علمی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۹-۴۶.
- ۱۴- سلیمی، علی و نادری، سمیه (۱۳۹۶)، «خوانش ساختار بازنمودی قرآن براساس رویکرد نقش گرا (مطالعه مورد پژوهانه: سوره طها)»، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش های ادبی - قرآنی»، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۲۹-۱۴۹.

- ۱۵- صادقی، علی (۱۳۹۴ هـ.ش)، «تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبانشناسی نقش گرای نظام مند هلیدی»، مطالعات تفسیری، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۴۵-۶۶.
- ۱۶- صالحی، فاطمه (۱۳۸۶، ش)، «علم معانی و دستور نقش گرای هلیدی»، کتاب ماه ادبیات، ش ۸، پیاپی ۱۲۲، صص ۳۲-۴۱.
- ۱۷- عزیزخانی، مریم و سلیمانزاده، نجفی و شاملی، نصرالله (۱۳۹۶)، «کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره الشرح»، فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های ادبی-قرآنی»، دانشگاه اراک، سال ۵، شماره ۴، صص ۶۹-۹۵.
- ۱۸- کرمانی، حدیث و قیطوری، عامر و صابری، کوروش (۱۳۹۸ ش)، «بررسی ساختار گذرایی سوره یوسف براساس دستور نقشی - نظام مند هلیدی»، مجله پژوهش‌های زبانشناختی قرآن سال ۸، دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، صص ۳۷-۵۲.

19 - Eggins, S. (2004). An Introduction to systemic Functional Grammer. New York: Continuum.

20- Halliday, M. A. K. (1985). An Introduction to Functional Grammer. First edition. New York: Edward Arnold.

21-Simpson,paul,(2004),stylistics: A Resource Book For Student, -21- Londone & New York, Routledge.

An Analysis of Textual Coherence in Surahs Ad-Dhuha and Ash-Sharh Based on Halliday's Functional Linguistic Theory

Fallah Shoushtari Majlesi¹

Ali Salimi²

Amer Gheitouri³

Jahangir Amiri⁴

Abstract

Using theories from modern linguistics that in recent years have paved the ground for novel insights into analyzing literary texts, which have recently found much application in comprehending and interpreting Qur'an, the present paper analyzed the degree of textual coherence in surahs Ad-Dhuha and Ash-Sharh. Additionally, this analytical-descriptive study employed the three ideational, interpersonal, and textual metafunctions in Halliday's functionalist theory in order to find an answer to the question of the extent of tenability of the view held by some exegetes regarding the sameness of these two surahs. The findings show that the unity and integrity of the two surahs, which successively and with a consoling tone refer to the material and spiritual blessings as well as the divine grace bestowed on the Prophet, together with the integrated extra-textual references clearly indicate the unity of the texts of both surahs and confirms the opinion of many exegetes who have considered the two surahs of Ad-Dhuha and Ash-Sharh, as one surah.

Keywords: the Holy Qur'an, Ad-Dhuha, Ash-Sharh, Halliday's theory, linguistic metafunctions

1. PhD Student of Arabic Language and Literature, Razi University;

Email: falahmaj@gmail.com

2. Corresponding author: Full Professor, Department of Arabic Language and Literature, Razi University; Email: salimi1390@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Razi University; Email: amer@razi.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Razi University; Email: jahangiramiri83@yahoo.com